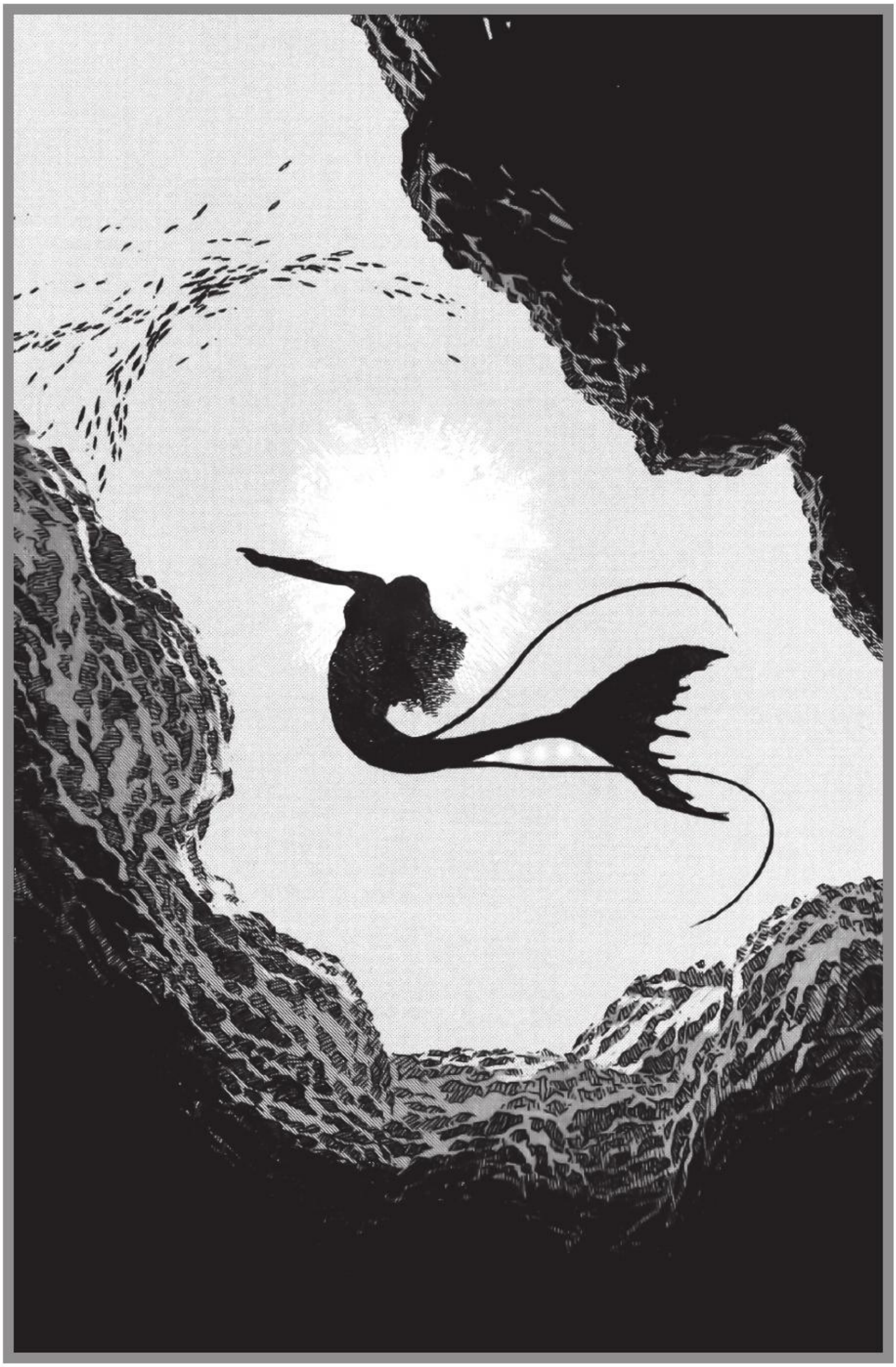
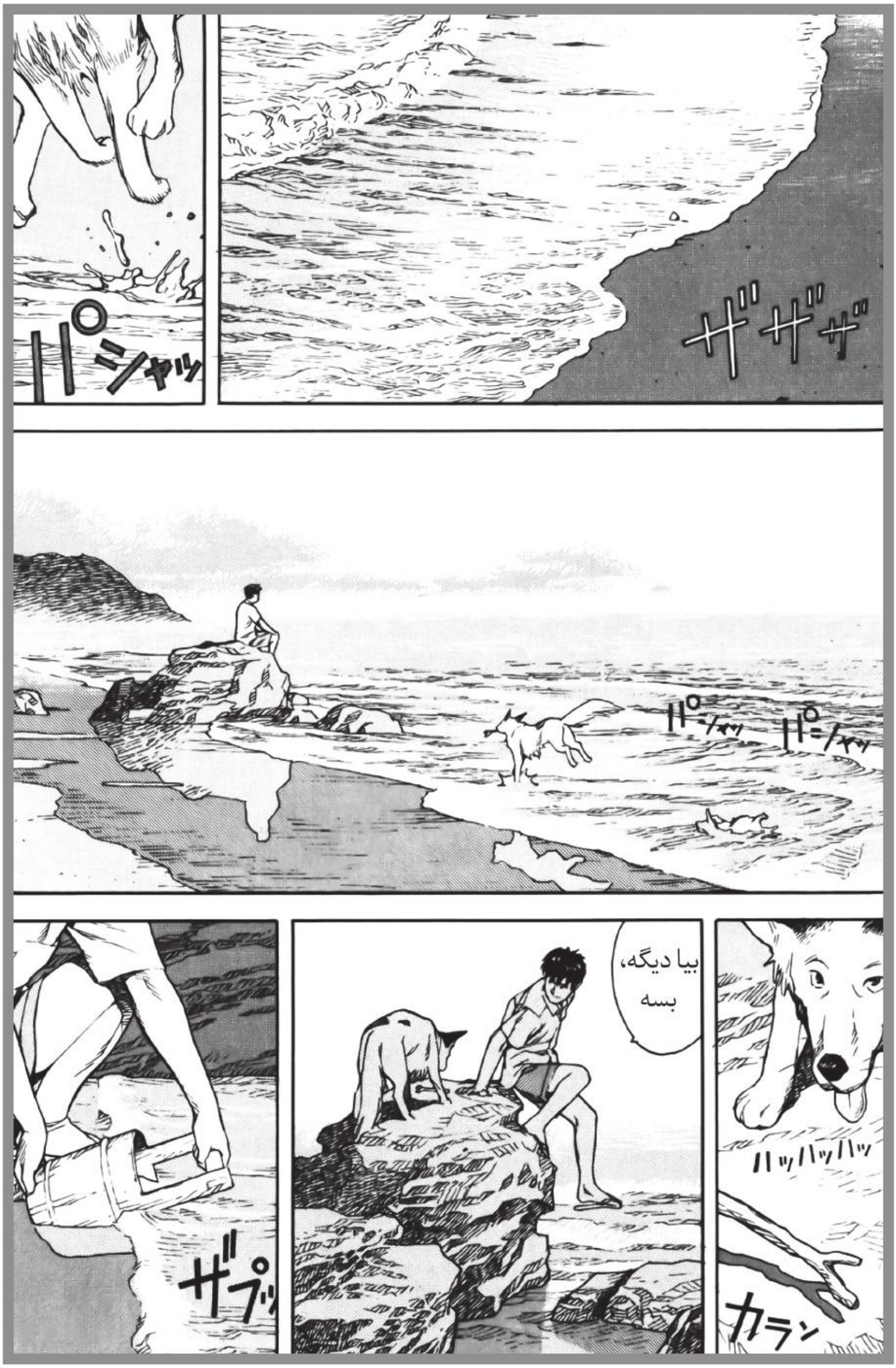

海
帰
線
فصل ۱

۶ ■ یوسوکه






ザザザ
ポシャッ
11°-1/4
11°-1/4
ハッハッハッ
カラン
ザブッ
بیا دیگه، بسه

بیا بریم، فوجیمارو

تتتت

هاپ

هاپ

آئووووو

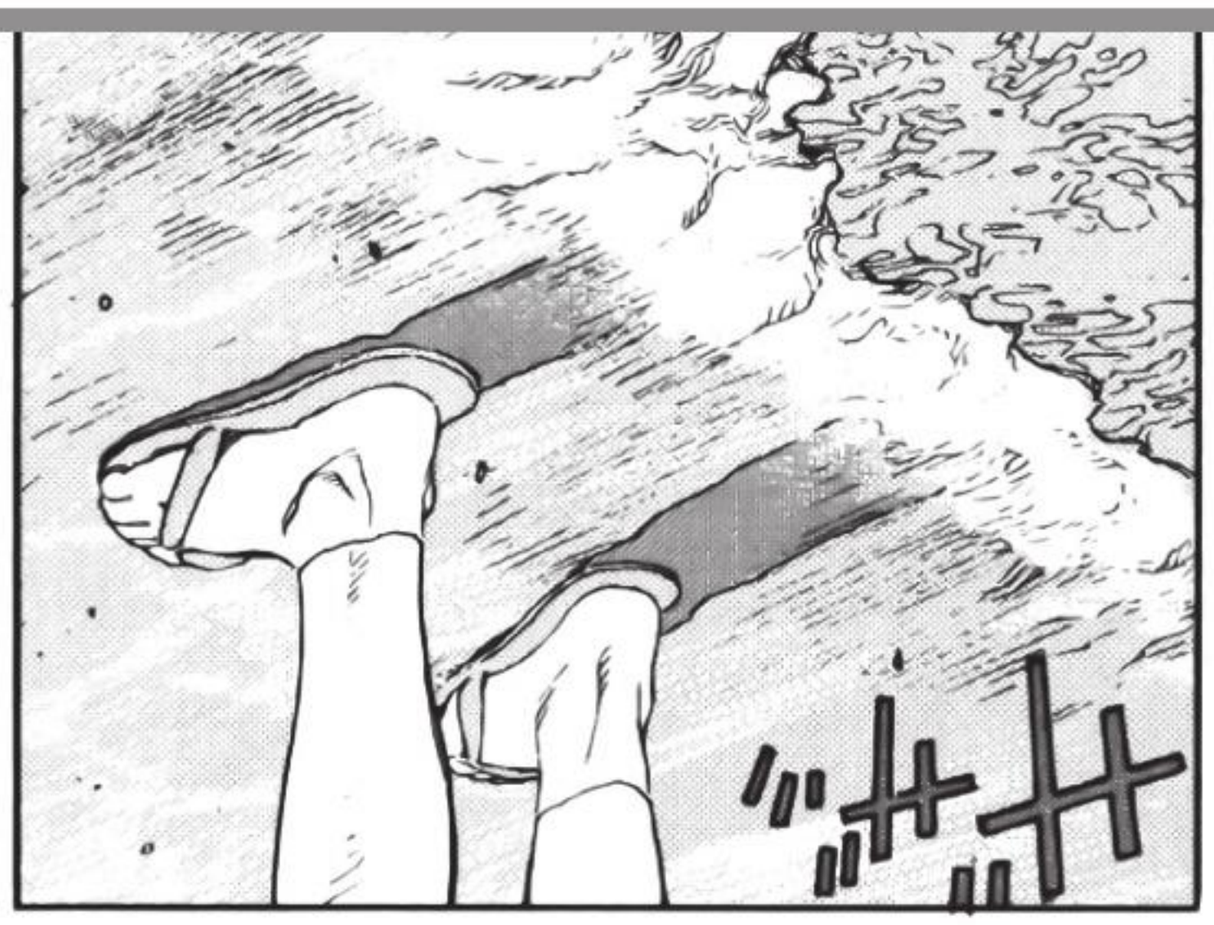
کف کف

ززززز

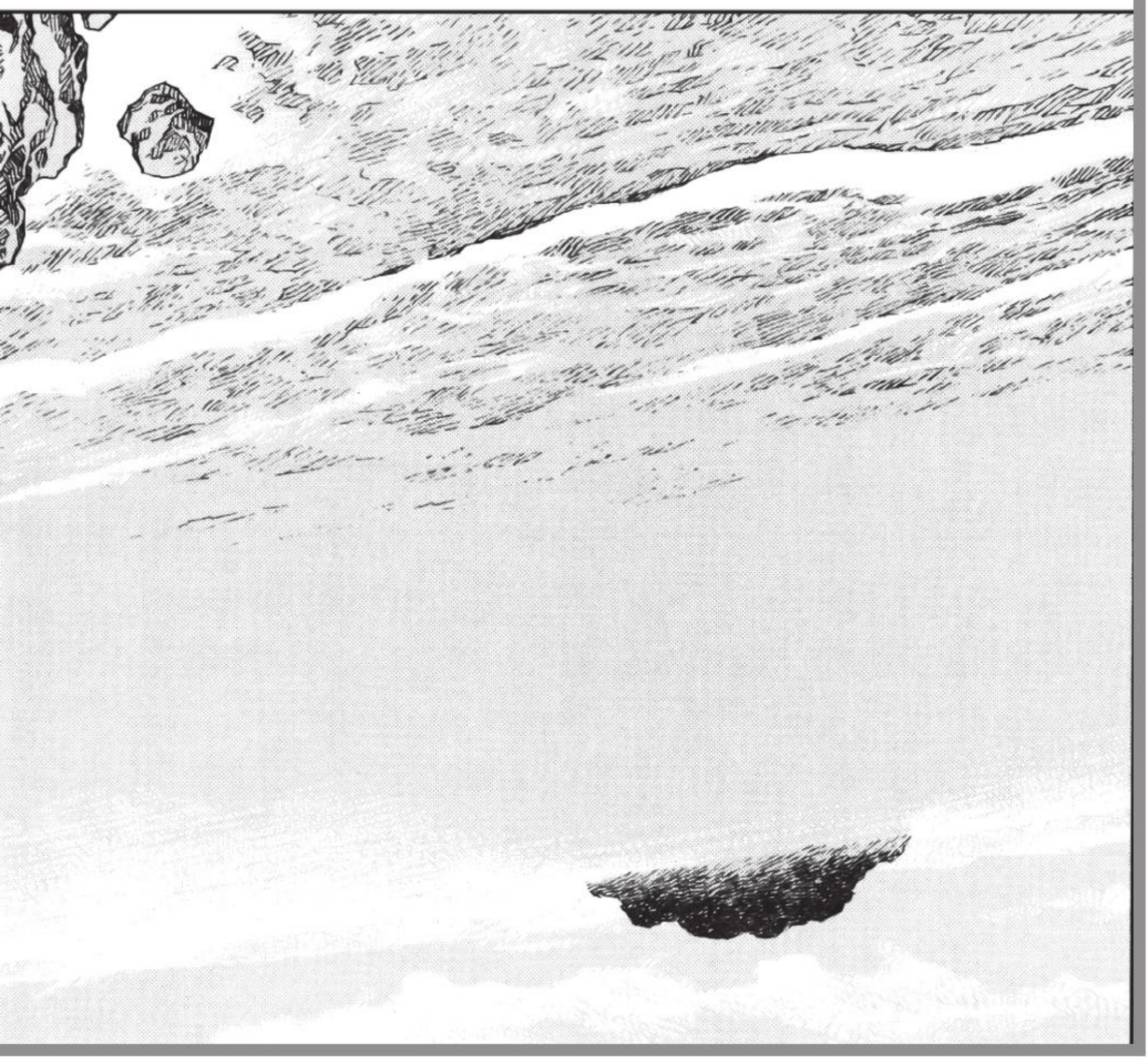
ززززز

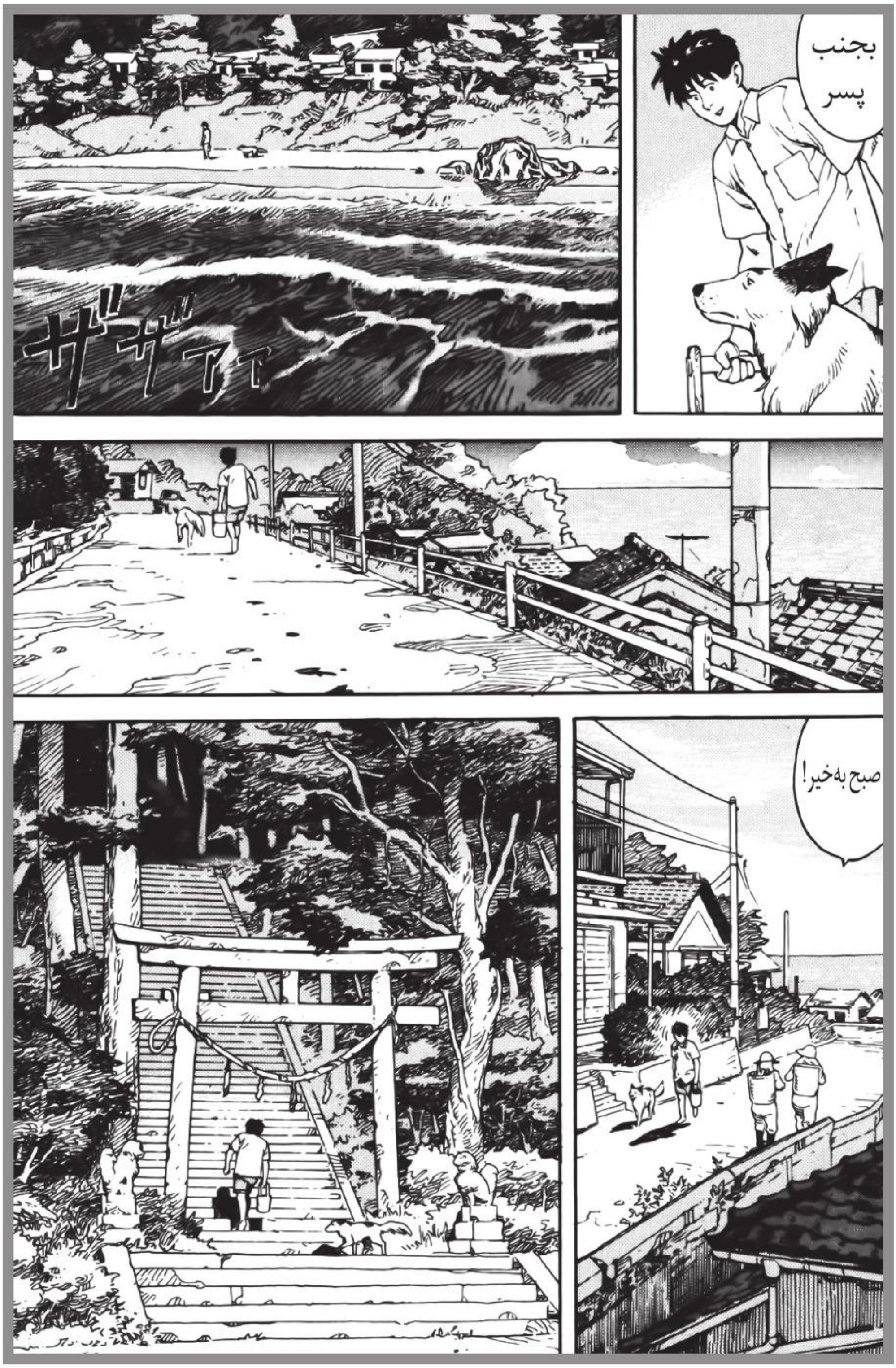
ززززز



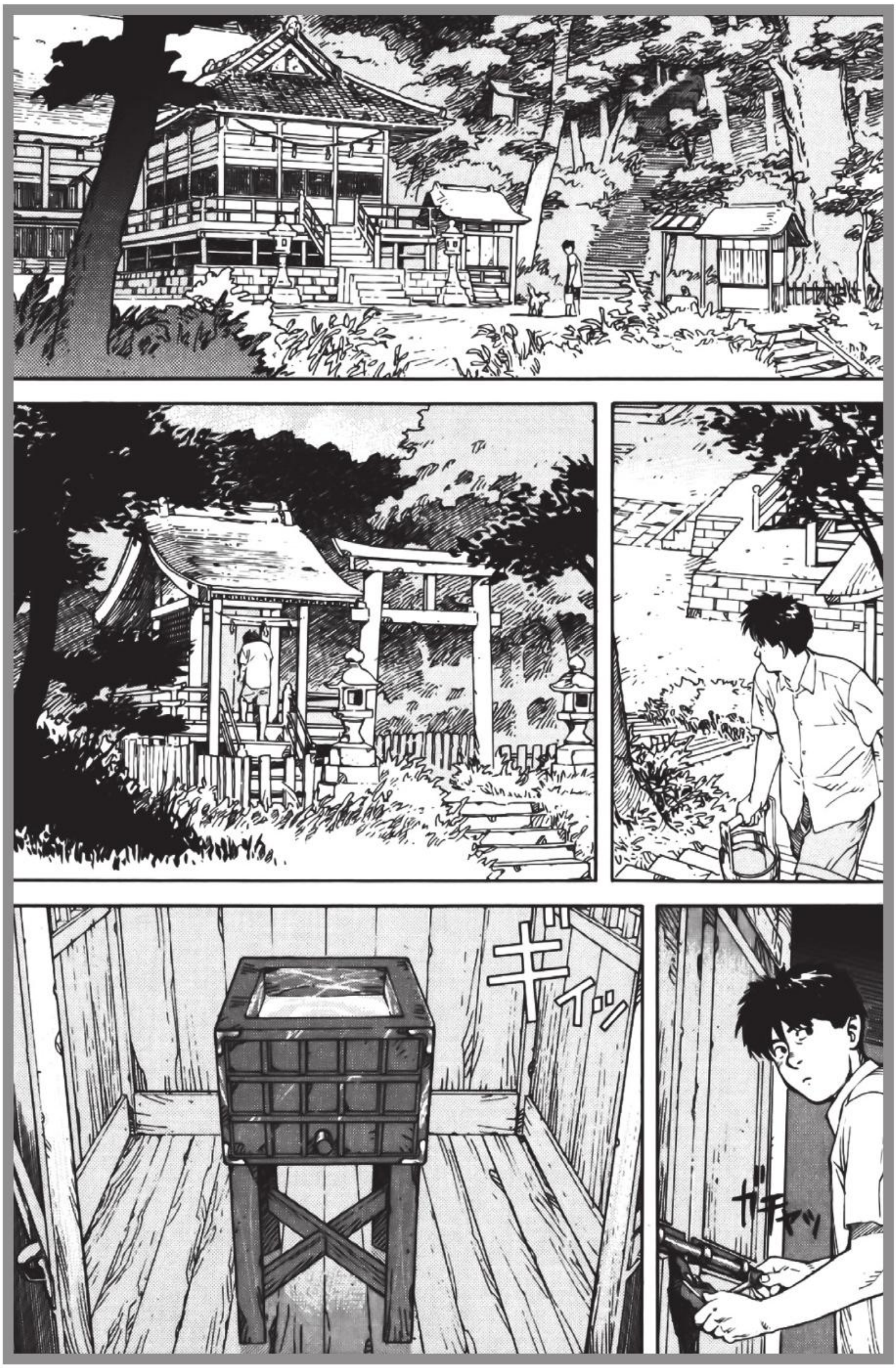







بجنب
پسر
صبح به‌خیر!


صبح به‌خیر!
خیلی سخته که بخوای هر هفته انجامش بدی.
هان؟
هاپ هاپ


ギロッ
ガチャッ


ゴォォ
ゴヤアッ
بندآوردن
پوف
ما خیلی وقته که همدیگه رو می شناسیم، ولی من خیلی زود باید برت گردونم.
تق
تق


تق
تق
حرف
حرف
بابا!
هاپ
یوسوکه،
چه خوبه که
این جایی!
کلید معبد
رو بده.
چرا؟
چی شده؟
ガチャッ
ガチャッ
سؤال نکن.
گفتم کلید
رو بده!
بابا، تو که
جدی‌جدی
نمی خوای...
ダッ


صبحتون به‌خیر، خانم‌ها و آقایون.
امروز ما توی این هوای تازهٔ صبحگاهی درحال ضبط پخش زنده از معبد هیراتسو در آمید هستیم...
ایشون آقای یوزو یاشیرو، کشیش محلی مذهبِ شینتو هستن که اجدادشون برای ۲۳ نسل نگهداری این مکان رو به عهده داشتن.
صبحتون به‌خیر.
و...
ایشون هم پسر بزرگشون، یوسوکه هستن.
ام... سلام...
در حینی که کل آمید با پروژهٔ گردشگری مشغوله...
سرو کلهٔ یه هم‌پیمان قدرتمند پیدا می‌شه.
این شخص کی می‌تونه باشه؟
وقتی بابابزرگ اومد حسابت رو رسید، از من توقع کمک نداشته باش!
بدون هیچ درنگی... آقای یاشیرو، ممکنه ما رو از کنجکاوی نجات بدید؟


ガヤガヤ
シーン
هاپ
هاپ
ガチャッ
チャプン
مفتخرم که «تخم پری دریایی» رو براتون رونمایی کنم...
این تخم برای نسل‌ها بین ما یاشیروها از پدر به پسر دست‌به‌دست شده.

و ایشون پسر شما یوسوکه‌س...

خدای من! چه افسانه‌ای!

که قراره دنبال رویهٔ عهد اجدادی شما باشه.

الان می‌خوام این تخم بسیار زیبا رو لمس کنم.

جرئت نداری دست بهش بزنی!

بابابزرگ، مگه بیمارستان نبودی؟

اوه!

هان؟

چی؟

?

یوزو!

تو...

تو...

کله‌پوک!

تو می‌فهمی داری چی کار می‌کنی؟! یوزو!

هوف!

یه دقیقه صبر کن، بابا...

خاک بر سرت! یعنی نمی‌ذاری با خیال راحت برم کپهٔ مرگم رو توی بیمارستان بذارم!

من از خیر زمینم گذشتم، چون تو گفتی واسه آبادانی شهرمون خوبه...

بعد تو اومدی سرخود تخم پری رو جلوی مردم به نمایش گذاشتی؟ می خوای تن اجدادمون رو توی گور بلرزونی؟!

داداش، غذا آماده‌س، ولی فکر نکنم حالاحالاها بتونیم بخوریم.

یوزو، عقل توی کله‌ت نیست؟!

بسه بابا!